

# کتاب دانیال

Daniel

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران نوشته ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

July 1, 2011

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

### Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,

Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —

## ۷۵ معرفی

مایلم بر این نکته تأکید داشته باشم که هیچ یک از انبیا، با چنین روشنی و وضوحی که دانیال راجع به مسیح سخن گفته است، سخن نگفته اند. چون نه تنها دانیال به آمدن مسیح که پیشگویی سایر انبیا نیز می‌باشد، بلکه دقیقاً زمان آمدن او اشاره کرده است. علاوه بر آن، او برای بیان درست سال‌ها به تعدادی از پادشاهان و نشانه‌های دقیق واقعی که در شرف وقوع بوده‌اند اشاره می‌کند.

جروم - (347-420 پس از میلاد)

### 1- جایگه منحصر به فرد کتاب دانیال در کانون

کتاب دانیال یکی از جذابترین کتاب‌های عهد عتیق می‌باشد.

کتاب دانیال به خاطر پیشگویی‌های دقیق و نبوت مسیحائی و تمثیل‌های الهامی و روشنش، همواره در معرض حملات اساتید خردگرا و بی‌ایمان بوده است. جای تعجب نیست که استاد محافظه کار کتاب مقدس سر روبرت آندرسون یکی از کتاب‌هایش را «دانیال در چاه ناقدان» نام نهاده است. حمله اصلی ناقدان بر این نقطه متمرکز است که آیا واقعا نبی‌ای به نام دانیال این کتاب آنچنان که یهودیان و مسیحیان محافظه کار می‌گویند، در قرن ششم قبل از میلاد نوشته است یا یک مورخ ناشناس در قرن سوم قبل از میلاد (مخصوصاً با توجه به فصل 11)؟ هر چند که این کتاب را یک کتاب نبوتی گفته‌اند.

### II - نویسنده

از آنجا که عقیده سنتی مبنی بر نگارش این کتاب توسط دانیال به شدت رد شده است، و از سوئی احاطه کامل یک ایمان‌دار به این کتاب بزرگ، بسیار مهم می‌باشد، ما نسبت به سایر کتب مقدس بیشتر به این کتاب پرداخته ایم.

اولین تیر بر عقیده ارتدکسی مبنی بر اینکه دانیال یک نبی واقعی بوده که خداوند با رویای مفصل از دنیای

امپراتوران غیریهودی و آمدن مسیحا به او الهام بخشیده است، توسط فیلسوف غیرمسیحی به نام پورفیری<sup>1</sup> در قرن سوم پس از میلاد شلیک گردید. در قرن هفدهم تعدادی از یهودیان ایده‌های پورفیری را برگرفته و سپس در قرن هجدهم آنها را در عالم مسیحیت تسری دادند. با گسترش منطوق‌گرایی این ایده‌ها گسترش بیشتری یافت و در حلقه‌های لیبرال و شبه‌لیبرال پذیرفته شدند. مریل اف انگر می‌نویسد<sup>2</sup>:

*دیدگاه‌های انتقادی مدرن حاکی از اینست که جنبش مکابین در حدود سال 127 قبل از میلاد آغاز و مخالفت با دیدگاه سنتی مدنی بر نگارش کتاب دانیال را یکی از اقدامات اصلی آن می‌داند. این دیدگاه‌ها به هر حال برخاسته از یک سری سفسطه‌های به شدت پذیرفته شده و فرضیات بی‌اساس می‌باشند.*

قبل از بررسی اتهامات اصلی وارد شده بر اصل نگارش این کتاب توسط دانیال نبی، می‌خواهیم به چندین نشانه مثبت بر این ادعا اشاره کنیم.

1- خداوند ما عیسی مسیح مخصوصاً از زبان دانیال نقل قول کرده است (متی 24:15) و تنها همین مورد کافی است برای اثبات حقانیت نوشته شدن این کتاب توسط دانیال.

2- این کتاب مشحون از آداب و رسوم محلی بابلیان و مادیان باستانی است، نه مکابیان فلسطینی.

3- یهودیان و مسیحیان قرن‌هاست توسط این کتاب تزکیه و متبارک شده‌اند. قدرت روح القدس برآمده از کتاب دانیال عدم تطابق آن را با یک کتاب جعلی به روشنی نشان داده است، در حالیکه در مورد نوشته‌های غیرالهامی این چنین نیست.

4- رونویسی از کتاب یافت شده در غار Qumran تاریخ نگارش این کتاب را در دوران و یا قبل از دوران مکابیان می‌داند و این واقعیت، تاریخی قبل از آن را می‌طلبد. بحث‌هایی که در مورد نگارش این کتاب صورت گرفته‌اند

<sup>1</sup> - Porphyry

<sup>2</sup> - Merrill F. Unger

دارای سه جنبه می‌باشند: زبانی، تاریخی و دینی از جنبه زبانی بحث این است که دانیال نمی‌توانسته است این کتاب را در قرن ششم پیش از میلاد نوشته باشد، چونکه این کتاب شامل واژه‌های فارسی و حتی یونانی است و همچنین با وجود کلمات آرامی می‌توان تاریخ نگارش آن را دیرتر نیز فرض نمود.

به هر حال چون که دانیال در دوران حکومت مادها بر ایران (530 پیش از میلاد) می‌زیسته و خدمت می‌نموده است، واژه‌های فارسی در این کتاب حاکی از تضاد قطعی آن با دیدگاه‌های لیبرالیسم است و این نظریه را که کتاب دانیال یک کتاب جعلی مربوط به دوران مکابیان بوده است، رد می‌نماید.

در رابطه با واژه‌های یونانی جای تعجب است که تنها سه واژه یونانی در این کتاب وجود دارد که هر سه واژه نام آلات موسیقی می‌باشد! این یک حقیقت کاملاً آشکار است که اسامی اشیا از فرهنگی به فرهنگ دیگر مدت‌ها قبل از یک اختلاط فرهنگی، به زبان دیگری منتقل می‌شود. زمانی که دانیال کتاب خود را می‌نوشته است امپراتوری یونان هنوز تشکیل نشده بود، اما فرهنگ یونانی و اختراعات یونانی در دنیای باستان رواج داشت.

در رابطه با زبان آرامی Kitchen و Kutscher در نوشته‌های خود نشان داده‌اند که این مورد کاملاً در دوران سلطنتی دانیال می‌گنجد.

و اما بحث تاریخی علیه دیدگاه ارتدکسی نگارش این کتاب توسط دانیال شامل این مورد است که یهودیان کتاب دانیال را در ردیف کتب نگارشی، یا بخش سوم کتاب عتیق می‌دانند و نه نبوتی، چون آن بخش از آن کتاب عهد عتیق در کانون با کتاب دانیال پایان یافته است. درک این مورد ساده است که دانیال نه از نظر مقام بلکه از نظر رسالت نبی بود، و در حالات خاصی نیز در هیئت سخنگو ظاهر می‌شد. از این رو او در زمره انبیا حرفه‌ای چون اشعیا و ارمیا و غیره نبود.

چندین مشکل در مورد صحت کتاب دانیال عرضه شده است ولی پاسخ‌های منطقی توسط اساتید محافظه‌کار در مورد صحت بدون تردید این کتاب ارائه شده است. کسانی که علاقمند به

پیگیری این مورد می‌باشند به نوشته‌های روبرت دیک ویلسن؛ چارلز بوت فلاور؛ جان اف وا لورد؛ آر. کی هاریسون و گلیسون آرچر<sup>1</sup> مراجعه فرمایند.

بحث دینی بر علیه دیدگاه سنتی نگارش این کتاب توسط دانیال این است که این کتاب نگاه کاملاً پیشرفته‌ای به فرشته‌ها، زندگی آینده (رستاخیز)، و مسیحا دارد. این نظریه برآمده از کاربرد فرضیه سیر تکامل دینی می‌باشد. اعتراض واقعی به دیدگاه سنت‌گرایان آنچنانکه چندین استاد لیبرال نظیر Pfeiffer (مقدمه‌ای بر عهد عتیق صفحه 755) آن را تایید کرده‌اند، عبارت است از تعصب این کتاب در امور مافوق‌الطبیعی. در این کتاب شاهد معجزات فراوان، پیشگویی‌های دقیق متناسب با انتقاد خردگرایی، می‌باشیم. آنچنانکه دانیال نبی بدون صدمه از چاه شیران رهایی یافت، بدین ترتیب نبوت دانیال هم در فکر و قلب ایمان‌داران منطقی از «چاه انتقادها» سالم بیرون آمده است.

### III- تاریخ

اساتید کتاب مقدس برای کتاب دانیال دوره‌ای بین قرن ششم تا دوم قبل از میلاد را منظور نظر دارند. لیبرال‌ها و حامیان آنها تقریباً همگی این کتاب را مربوط به قلمرو مکابیان می‌دانند. دیدگاه آنها نسبت به این کتاب عموماً این است که تلاشی است به جهت دلگرمی دادن به یهودیان در طول دوران وحشتناک اوج جنبش ضدسامی در دوران آنتونیوپیفانس<sup>2</sup>. آنهایی که معتقدند خدا میتواند نه تنها نبوت‌های عام را از حکومت‌هایی که هنوز پا به عرصه وجود نهاده‌اند الهام نماید (مانند یونان و رم)، بلکه به بیان جزئیات دوران حکومت حاکمیت یونانیان چندین قرن قبل از اینکه این امپراتوری به وجود آمده باشد، می‌پردازد (فصل 11)، در پذیرش ایده محافظه‌کاران مبني بر اینکه دانیال این نبوت را در قرن ششم و احتمالاً در سال 530 پیش از میلاد نوشته است مشکلی ندارند.

<sup>1</sup>- Robert Dick Wilson, Charles Boutflower, John F. Walwood, R. K. Harrison and Gleason Archer

<sup>2</sup>- Antiochus Epiphanes

حتی با توجه به تاریخ دیرتری، آنچنان که انگر می‌گوید، ناقدان نمی‌توانند از تایید بصیرت قدرتمند خداوند در امور آینده، شانه خالی کنند:

باید به خاطر داشت که حتی اگر دیرترین تاریخ برای نگارش کتاب دانیال در نظر گرفته و ثابت گردد، نبوت دانیال هنوز هم بیانگر شناخت آینده است که این مورد را تنها میتوان به الهام خدایی منتسب نمود.

#### IV- پیشینه و زمینه

با پذیرش دیدگاه محافظه‌کاران در مورد نگارش و تاریخ این کتاب، ما بر این باوریم که دانیال یکی از باهوش‌ترین و جذاب‌ترین یهودی جوان اسیر بود که توسط نبوکد نصر در هنگام سلطنت یهوایقیم از یهودا (در حدود 604 قبل از میلاد) به بابل آورده شد. معنی نام او عبارت است از «خداوند داور من است.» شخصیت و رفتار او نشان دهنده باور او به نور حقیقت بود.

در رابطه با مقام او، دانیال یک ناطق بلند پایه در حکومت نبوکد نصر و بارگاه بلشصر بود. وقتی که ماد های پارس بابل را تسخیر کردند دانیال یکی از سه مأمور عالی رتبه تحت نظر داریوش پادشاه گردید. او همچنین در طول حکومت کورش نیز خدمت کرد. آنچنان که گفته شد این جریان احتمالاً علت باور یهودیان عهد عتیق به قرارداداشتن کتاب دانیال در بخشی از کتاب مقدس است که آن را «ادبی می‌نامند و نه نبوتی.»

به هر حال رسالت دانیال از نوع رسالت یک نبی بود و خداوند ما نیز او را نبی نامید (متی 15:24 و مرقس 14:13). دانیال در زمره کسانی بود که ضمن اشتغال در امور غیر دینی بیشتر وقت خود را صرف آموزش کتاب مقدس و موعظه می‌نمود.

به عنوان نمونه‌ای از این گونه افراد در دوران ما می‌توان به سرروبرت آندرسون اشاره نمود که در ضمن اینکه در کتاب دانیال به مقام استادی رسیده بود، رئیس بخش جنایی اسکاتلندیارد در ایالت ویکتوریا بود.

از آنجا که بخش عمده این کتاب به جهان قدمند غیر یهودی پرداخته است، از اینکه از فصل 4:2 الی هفتم این

کتاب از زبان آرامی استفاده شده است، نباید تعجب نمود، چون زبان آرامی زبان غیر یهودیان در دنیای یهودیان بود، اما به طور گسترده‌ای در مکاتبات بین‌المللی در زمان دانیال از آن استفاده می‌شد، آنچنانکه امروز از زبان انگلیسی بدین منظور استفاده می‌شود. بعضی از اساتید نبوت دانیال را در این تغییر زبان، خلاصه کرده‌اند. در رابطه با محتویات کتاب، شش فصل اول این کتاب عمدتاً داستانی با زمینه غالب نبوتی است و شش فصل بعد این کتاب نیز عموداً نبوتی با زمینه غالب داستانی است.

### گزارش

- I- ثبات دانیال در وفاداری و رحم و شفقت او (فصل اول)
- II- رویای نبوکد نصر از تمثال ساخته شده از چهار نوع فلز (فصل دوم)
- III- بت طلای نبوکد نصر و کوره سوزان (فصل سوم)
- IV- رویای نبوکد نصر از درخت قطع شده و تعبیر آن (فصل چهارم)
- V- نابودی بلشصر با نوشته‌ای روی دیوار اعلام می‌گردد (فصل پنجم)
- VI- فرمان داریوش و چاه شیران (فصل ششم)
- VII- رویای دانیال از چهار جانور به نشانه چهار امپراتور جهانی (فصل هفتم)
- VIII- رویای دانیال از قوچ و بز (فصل هشتم)
- IX- رویای دانیال از تفوق هفتاد هفته‌ای غیر یهودیان (فصل نهم)
- XI- رؤیای نبوت‌های مربوط به آینده نزدیک (35-1:11)
- X- رویای جلال خدا مقدمه‌ای بر وقایع آینده (فصل دهم)
  - الف) تسخیر حکومت ماد توسط ایرانیان (3-1:11)
  - ب) زوال امپراتوری یونان (35-4:11)
  - 1) جنگ بین مصر و آرام (سوریه) (20-4:11)
  - 2) حکومت آنتونیو اپیفانس (35-21:11)
- XII- نبوت‌های آینده دور (36:11 تا 13:12)
  - الف) ضد مسیح (45-36:11)
  - ب) عذاب بزرگ (فصل 12)

## تفسیر

## I- ثبات دانیال در وفاداری و رحم و شفقت او (فصل

اول)

7:1-1) صحنه این بخش بارگاه نبوکد نصر در بابل و سال سوم سلطنت یهوایاقیم در یهودا و زمانی است که اورشلیم محاصره شده است. نبوکد نصر فرمانی صادر نمود مبنی بر اینکه چندین جوان یهودی را که نیکو منظر و حکیم و دانا باشند، برای خدمت نمودن در بارگاه او انتخاب نمایند. دانیال و حننیا و میشائیل در زمره این جوانان بودند که آنها را به اسامی کلدانی بلطشصر، شدرک و عبدنغو مسمی نمودند.

بخشی از آماده سازی آنان برای خدمت پادشاه این بود که میبایست از طعام و شراب پادشاه استفاده نمایند. این غذاها احتمالاً شامل گوشتی بودند که براساس شریعت عهد عتیق نجس محسوب می شدند و یا شاید مرتبط با پرستش بتها بودند.

ظاهراً تضادی موجود است بین آیه اول و ارمیا 1:25. در دو آیه اول گفته شده که نبوکدنصر اورشلیم را در سال سوم سلطنت یهوایاقیم، محاصره نموده بود. ولی در کتاب ارمیا میخوانیم که سال چهارم سلطنت یهوایاقیم در سال اول سلطنت نبوکد نصر بوده است.

شاید بشود این تضاد را در فرق بین گاه شماری یهودیان و بابلیان حل نمود.

12:8-1) دانیال محترمانه از خوردن غذای پادشاه امتناع نمود و تقاضا نمود که به او و دوستانش اجازه داده شود که از سبزیجات (بقول) و آب استفاده کنند. اشفناز رئیس خواجه سرایان (که نه رسوم یهودی و نه خدای یهودیان را می شناخت) از درخواست دانیال دچار وحشت شد، چون اگر بر اساس درخواست پادشاه این جوانان را تقویت نمی کرد، سرش را بر باد می داد. گذشته از آن مسئولیت تربیت این جوانان با او بود.

21:13-1) اما تصمیم گرفت به مدت ده روز آنها را طبق خواسته خودشان تغذیه نماید. پس از گذشت مهلت مقرر، به حضور نبوکد نصر رفتند و ثابت نمودند که ده مرتبه بهتر

از تمام حکیمان بابل می‌باشند. بدین ترتیب در حضور پادشاه پذیرفته شدند. خداوند آنها را با حکمت و فطانت متبارک ساخت و به دانیال عطای تعبیر خواب‌ها و رویاها را ارزنی داشت.

## II- رویای نبوکد نصر از تمثال ساخته شده از چهار فلز (فصل دوم)

13:1-2) نبوکد نصر خوابی دید و از حکیمان بابل تقاضا کرد که نه تنها تعبیر خوابش بلکه خوابش را به او بگویند و این کاری غیر ممکن بود. بدین ترتیب حکیمان بابل نتوانستند خواسته پادشاه را بر آورده سازند. بنابراین پادشاه خشمگین شده و فرمان داد **جمیع حکیمان بابل** از جمله **دانیال و رفیقانش** را بکشند!

14:2-30) دانیال از نبوکد نصر تقاضای مهلتی نمود تا خواب و تعبیرش را به او بگوید و سپس شبانه دعا کرد و خدا دعای او اجابت نمود و در رویای شبانه خواب و تعبیر خواب نبوکد نصر بر او مکشوف شد. دانیال در شکرگزاری از **خدای آسمان‌ها** دعای زیبایی بر زبان آورد. سپس به نزد **آریوک** رئیس جلادان رفت تا او را از کشتی **حکیمان** باز دارد و سپس آریوک او را نزد پادشاه برد و دانیال منشاء مکاشفه اسرار را که همانا خدا بود و نه خودش، بر پادشاه آشکار نمود.

31:21-35) دانیال دانسته بود که پادشاه در خواب **مجسمه‌ای بزرگ و ترسناک** دیده است. سر این مجسمه از طلای ناب، سینه و بازویش از نقره، شکم و رانهایش از برنز، ساق‌هایش از آهن و پاهایش بخشی از آهن و بخشی از گل بوده است. نبوکد نصر در خواب دیده بود که تخته سنگ بزرگی بدون اینکه لمس شود غلطید و آن مجسمه را در هم کوبید و سپس تبدیل به کوه بزرگی شد که تمامی زمین را پوشانید.

36:2-45) این مجسمه نماد چهار امپراتوری قدرتمند غیر یهودی بود که برجهان و مردم یهودی حکومت می‌کنند. نبوکد نصر پادشاه مطلق بابل همان **سرطلای** مجسمه (آیه 38)؛ ایران با زوان نقره‌ای مجسمه، یک بازو به نشانه ماد و بازوی

دیگر به نشانه پارس؛ یونان، همان **سلطنت سوم**، شکم و ران های مجسمه؛ امپراتوری روم دو ساق و پای آهنین و ساق ها به نشانه بال های شرقی و غربی امپراتوری، پایهای آهنین و گلی به نشانه امپراتوری روم به قدرت رسیده، و انگشتان نماد ده قلمرو پادشاهی بودند. توجه داشته باشید به ارزش رو به کاهش فلزها و افزایش قدرت نمادها (به جز پاهای آهنین و گلین). همچنان توجه داشته باشید که انسان امپراتوری خود را در قالب فلزهای گران بها به تصویر میکشد، در حالیکه خدا آن حکومتها را در غالب جانوران وحشی، به تصویر کشیده است (فصل هفتم). عیسی مسیح خداوند همان **سنگی** است که **بدون لمس دستها** مجسمه ها را در هم کوبید. عیسی مسیح خداوند این چهار امپراتوری را منقرض و بر سراسر جهان سلطنت خواهد کرد و پادشاهی او همیشگی خواهد بود.

2:46-49) وقتی که نبوکد نصر تعبیر خوابش را از زبان دانیال شنید و از حکمت او آگاه شد او را بر تمامی ولایات بابل حاکم و بر جمیع حکیمان بابل رئیس گردانید و سه نفر دوست جوان او نمایندگان و دستیاران او گردیدند.

### III- بت طلای نبوکد نصر و کوره سوزان (فصل سوم)

3:1-7) نبوکد نصر بتی به بلندی نه پا از طلا ساخت و آن را در دشت **دورا** قرار داد و سپس فرمان داد که هرگاه مردم صدای شیپور، فلوت، چنگ، بربط، ستتور، کمانچه و هر نوع آلات موسیقی را شنیدند، همگی سجده نموده و آن بت را ستایش کنند و هر کسی که از این فرمان سرپیچی کند در کوره آتش افکنده شود.

3:8-12) **شدرک، میشک و عبدنغو** که یهودیان با ایمانی بودند از پرستش بت سرپیچی کردند و بعضی از کلدانیان سرپیچی آنان را به اطلاع پادشاه رسانیدند.

13:13-21) نبوکد نصر آنها را احضار و فرصت دیگری به آنها داد تا بت را ستایش کنند، ولی آنها مجدداً از پرستش بت امتناع کردند، چون اعتمادشان به خدای رهاکننده و عظیم بود و حتی اگر خدا آنها را از میان شعله های آتش نمی رها کنید، باز هم به او وفادار میمانند. بنابراین پادشاه دستور داد که کوره آتش را هفت مرتبه بیشتر از

مواقع عادي مشتعل سازند و سپس امر کرد که این سه نفر یهودی را در همان لباسی که بودند در آتش بیندازند.

3:22-25) کوره بقدری داغ بود که کسانی که آنها را به کوره افکندند خوشان کشته شدند، ولی وقتی نبوکد نصر به کوره نگاه کرد در کمال تعجب **چهار مرد** زنده را در کوره، مشاهده کرد - سه نفری یهودی و نفر چهارمی چون **پسر خدا** (ترجمه NKJV) و یا پسر خدایان (ترجمه NJKV) بود. ما بر این باوریم که نفر چهارم در واقع همان «پسر خدا» بود، و مهم نیست که پادشاه او را چه کسی پنداشته است. خداوند خواه ما را از میان مشکلات برهاند و خواه نرهاند، در مشکلات با ماست.

3:26-30) این یهودیان در میان کوره آتش صدمه‌ای ندیدند. درد و رنج زمانی مؤثر است در جهت اجرای نیّات خدا و رهانیدن ما از اموری که ما را به بند کشیده‌اند، باشد. پادشاه از مشاهده این اعجاز آنچنان تحت تاثیر قرار گرفت که فرمان داد هیچ کس به **ضد خدای** یهودیان سخنی نگوید و آنگاه آن سه یهودی را در **ولایت بابل** منصب بالاتری داد.

#### IV- رویای نبوکد نصر از درخت قطع شده و تعبیر آن (فصل چهارم)

4:1-9) در این آیات نبوکد نصر به تجربه‌ای که در زندگیش موجب شد تا به عظمت و تعالی خداوند اعتراف نماید، اشاره می‌کند (آیات 1-3) و می‌گوید خوابی دیده بوده است که حکیمان بابل نتوانسته بودند آن را تعبیر نمایند، بنابراین به دنبال دانیال فرستاده و از او می‌خواهد که خوابش را تعبیر نماید.

4:10-15 الف) او در رویا درختی دیده بود، بلند و زیبا و پر بار که به آسمان می‌رسید و برگ‌هایش تا اقصای زمین گسترده بود. در این لحظه **شخص مقدسی** از آسمان می‌آید و فرمان می‌دهد که درخت بریده شود و برگ‌ها و میوه‌هایش در زمین پراکنده شوند.

4:15 ب (18) و آنگاه شخص مقدس به مدت هفت سال خوی انسانی خود را از دست می‌دهد و مانند یک حیوان وحشی بر روی زمین می‌شود.

26\_19:4) دانیال به پادشاه گفت که درخت نشانه او و امپراتوری جهان شمول اوست. او تاج و تخت خود را از دست خواهد داد و به مدت هفت سال عقل خود را از دست خواهد داد و مانند جانوری در صحرا زندگی خواهد نمود (چنین حالتی را در اصطلاح پزشکی Boanthropy می‌گویند)، ولی کنده درخت نشانه‌ای است که نبوکد نصر نخواهد مرد و دوباره پادشاه خواهد شد.

37-27:4) دانیال در ضمن به پادشاه پیشنهاد کرد که راه خود را عوض کند. به هر حال دوازده ماه گذشت و پادشاه توبه نکرد و همچنان به راه خود ادامه داد و در آن هنگام بود که تعبیر رویای پادشاه تحقق یافت و به مدت هفت سال چون جانوران در صحرا زندگی کرد. در پایان این زمان به سوی خدا بازگشت و عظمت و تعالی و جاودانگی خدا را اعلام نمود و سپس مجدداً جلال و عظمت پادشاهی خود را بازیافت.

## V- نابودی بلشصر توسط نوشته‌ای بر روی دیوار اعلام

### می‌گردد (فصل 5)

بلشصر پسر نابونیدس و نوه نبوکد نصر بود. او مهمانی بزرگی ترتیب داد و ظروف طلا و نقره مقدسی را که نبوکد نصر از معبد اورشلم برای استفاده در جشن‌های غنیمت گرفته بود، در آن میهمانی مورد استفاده قرار داد. پادشاه و اطرافیان او سرمست از نوشیدن شراب فراوان مشغول ستایش‌های بت طلا و نقره و برنزی و چوبی و سنگی بودند.

9\_5:5) وقتی که پادشاه و اطرافیانش کاملاً از خود بی‌خود شدند انگشت‌های دست انسانی بیرون آمد و بر روی دیوار چیزی نوشت. پادشاه که کاملاً ترسیده بود پیشنهاد کرد که اگر کسی بتواند آن را بخواند و تعبیر نماید به او ارغوان و طوق زرین خواهد داد و او را در بابل حاکم سوم (احتمالاً همراه با نابونیداس و بلشصر) خواهد گردانید.

16\_10:5) به پیشنهاد ملکه، دانیال احضار شد تا نوشته را برای پادشاه بخواند و تفسیر نماید. حتی پس از گذشت سال‌ها و تغییر حکومت فطانت و حکمت و روحانیت دانیال را

حداقل يك نفر به خاطر داشت. بنابراین دانیال را به حضور پادشاه آوردند.

24\_17:5) دانیال پس از گوشزد نمودن از تجربه نبوکد نصر و سرزنش شجاعانه **بلشصر** بخاطر نجس ساختن **ظروف** معبد به دلیل شراب نوشیدن در آنها و ضیافت برای ستایش بت‌ها، به تعبیر نوشته‌های روی دیوار برای پادشاه پرداخت.

25:531) نوشته چنین بود: «**منا ثقیل و فرسین**» «منا» یعنی «شمرده شد». خدا ایام امپراتوری بابل را شمرده و آن را به اتمام خواهد رسانید بود. «**ثقیل**» یعنی «سنگین». **بلشصر** سنجیده شده و مردود گردیده ست. «**فرسین**» یعنی «تقسیم شده» یا «منشعب شده». حکومت **بلشصر** تقسیم شده و به مادیان و پارسیان داده خواهد شد. درست در همان شب ارتش‌های ماد و پارس به بابل حمله بردند و **بلشصر** را کشتند و کنترل جهان را به دست گرفتند و داریوش مادی پادشاه شد.

## VI- فرمان داریوش و چاه شیران (فصل ششم)

3\_1:6) فصل ششم کتاب دانیال یکی از معروفترین فصول کتاب مقدس است. در اینجا دانیال را مشاهده می‌کنیم که در امپراتوری پارس زندگی می‌کند و یکی از سه وزیر داریوش پادشاه شده است که بر یکصدوبیست والی نظارت دارد.

با توجه به **روح فاضل** دانیال، داریوش پادشاه تصمیم گرفت که او را **بر تمامی مملکت نصب نماید**.

8\_4:6) سایر وزیران نسبت به دانیال حسادت می‌کردند و می‌دانستند که هرگز نمی‌توانند او را متهم به جرمی نمایند، بنابراین پادشاه را ترغیب نمودند تا قانونی بگذارند مبنی بر اینکه به مدت سی روز هر کسی غیر از داریوش پادشاه از شخص و یا خدایان حاجتی را درخواست کند، در جاده شیران افکنده شود. وقتی که فرمانی قانونی می‌شد دیگر عوض نشدنی بود. غیرت و ثبات دانیال برای ما درس مهمی است (اول پطرس 3:13-17).

13\_9:6) داریوش پادشاه فرمان را صادر و امضا نمود. اما دانیال هر روزه **سه مرتبه** به پرستش و دعا در حضور خداوند ادامه می‌داد. دشمنانش چون این را دیدند به سرعت خبر را

به پادشاه رسانیدند.

17:14-6) پادشاه که متوجه شد اولین قانون شکن یکی از سه وزیر اعظم خودش می‌باشد، از فرمانی که صادر کرده بود پشیمان شد و تا **غروب آفتاب** برای رهانیدن دانیال از مجازات تلاش کرد، ولی بدخواهان دانیال نزد پادشاه آمدند و به او یادآوری نمودند، فرمانی که توسط پادشاه امضا شده است قابل لغو نیست.

بدین ترتیب این پادشاه کافر ضمن تسلی دادن به دانیال مبنی بر اینکه خدایی که او را همیشه ستایش می‌کند، او را رها خواهد ساخت، دستور داد که دانیال را به **چاه شیران بیاندازند**. چه با شکوه است مشاهده این منظره که حتی بی‌ایمانان نیز گاهی تحت تاثیر ایمان و اخلاقیات ایمانداران قرار می‌گیرند که در کنارشان قرار دارند! بسیاری از مسیحیان با مشاهده دوستان و نزدیکان نجات نیافته خود که استانداردهای والای ایمان را مراعات نمی‌کنند و آنگونه عمل می‌کنند که از مردم خدا انتظار نمی‌رود، لغزش می‌خورند.

28:6-8) داریوش پس از اجرای حکم شب را به قصر خود رفت و به جای اینکه به سرگرمی معمول شبانه خود بپردازد، **سراسر شب را روزه گرفت**، سپس **وقت طلوع فجر برخاست و به تعجیل به چاه شیران رفت** و از بالای چاه دانیال را صدا کرد و دانیال نیز او را پاسخ داد و پادشاه متوجه شد که شیران آسیبی به این نبی یهودی نرسانیده‌اند. نبی با این کلمات که بر زبان آورد خدا را جلال داد: **«خدای من فرشته خود را فرستاده، دهان شیران را بست تا به من ضرری نرسانند.»**

سپس تهمت زندگان به دانیال به دستور پادشاه در **چاه شیران** افکنده شده و نابود شدند. نتیجه این اقدامات این شد که **داریوش پادشاه خطاب به قوم‌ها و امت‌ها و تمام متکلمین به زبان‌های مختلف فرمانی صادر نمود که خدای دانیال محترم بدارند.**

## VII- رویای دانیال از چهار جانور به نشانه چهار امپراتور جهانی (فصل هفتم)

شش فصل اول کتاب دانیال عمدتاً تاریخی، و شش فصل آخر

این کتاب نبوتی می‌باشد. **خواب‌ها و رویاهای** دانیال در فصل هفتم و هشتم در دوران سلطنت بلشصر پادشاه بابل و قبل از اینکه مادها و پارس‌ها به قدرت برسند تحقق یافتند.

4-1:7) در فصل هفتم، ما ناظر رویای دانیال از **چهار وحش** می‌باشیم که از **دریا** بیرون می‌آیند (این دریای بزرگ مدیترانه است). این چهار جانور یا وحش نماد چهار امپراتوری می‌باشند.

**شیر** نماد بابل و **بالهای عقاب** نماد قدرت و پیروزی او می‌باشد. **بال‌های کننده** شده احتمالاً اشاره بر جنون نبوکد نصر می‌باشد، و بقیه آیه چهارم حاکی از شفا یافتن و متحول شدن اوست.

5:7) **خرس** نماد ماد و پارس می‌باشد. حکومت پارس ترقی نموده بسیار بزرگتر و مهم‌تر از مادها گردیدند. **سه دنده** که در دهان خرس قرار داشت احتمالاً نماد سه بخش از امپراتوری بابل می‌باشند که توسط مادها و پارس‌ها تحت حکومت کورش تسخیر شده بودند. بابل در شرق، مصر در جنوب و لیدیه در آسیای میانه.

6:7) **پلنگ** نشانه یونان است. **چهار بال مرغ** (پرنده)، سخن از گسترش سریع آن امپراتوری می‌گویند. **چهار** شماره جهان است. **بالها** سخن از سرعت می‌گویند. اسکندر طی سیزده سال جهان را تسخیر کرد و تا هندوستان رفت و سپس با دستان خالی در سن سی و سه سالگی مرد. **چهار سر** پلنگ ظاهراً نشانه تقسیم شدن امپراتوری در میان چهار امیر اسکند پس از مردن او می‌باشد

7:7 و 8) **وحش چهارم قوی** و مخرب بود و با سایر وحوش تفاوت داشت، ولی دارای پاره‌ای از خصوصیات وحشیانه آنها بود. گفته شد که این جانور **هولناک و مهیب و بسیار زورآور** بود که **دندان‌های بزرگ آهنین** داشت. این جانور نماد امپراتوری روم است که به دنبال امپراتوری یونان خواهد آمد که سقوط خواهد کرد و بعد از مدت قابل ملاحظه‌ای دوباره برقرار خواهد شد. در شکل‌گیری مجددش **ده شاخ** خواهد داشت، که به معنی ده پادشاه می‌باشد و **یک شاخ کوچک** در میان این ده شاخ که نشانه سر آینده امپراتوری روم احیا شده یعنی ضد مسیح می‌باشد.

9:14) در آیه نهم دانیال دنیای پنجم و آخرین را به

تصویر می‌کشد و آن حکومت مجلل عیسی مسیح خداوند است. به مسیح قدرت تسلط به جهان داده خواهد شد. اصطلاح **قدیم الایام** در این جا نماد مسیح در مکاشفه اول است. اما این توصیف با توجه به آیه سیزدهم که می‌گوید **مثل پسر انسان...** نزد **قدیم الایم رسید**، مبهم می‌باشد و چنان برداشت می‌شود که مسیح قبل از او (قدیم الایام) آمده است. شاید بهتر این باشد که چنین تصور کنیم که **قدیم الایام** کسی نیست جز خدای پدر و کسی که **مثل پسر انسان** است، عیسی مسیح خداوند است که نزد پدر می‌آید تا به پادشاهی منصوب شود.

**قدیم الایام** بر کرسی داوری خواهد نشست (آیات 10 و 26) شاخ کوچک و امپراتوری او **کشته** می‌شوند (آیه 11). سایر امپراتورهای نیز منقرض می‌شوند، اما ملتها و مردم پایدار می‌مانند (آیه 12).

به عیسی مسیح خداوند سلطنت بر **جميع قومها و امتهها و زبانها** داده خواهد شد، و ملکوت او را پایانی نخواهد بود (آیه 14).

7:15-18) وقتی که دانیال اظهار حیرت می‌کند، يك مفسر نا شناخته به او می‌گوید که **چهار وحش** به نشانه چهار پادشاه دنیا است که از **زمین** برخوانند خاست، اما ملکوت **مقدسان حضرت اعلي** به جایشان خواهد نشست. یعنی هنگامی که این حکومت های دنیایی منقرض شوند، **مقدسان حضرت اعلي** دارای حکومتی همیشگی خواهند شد. در آیه سوم جانورانی که از دریا بیرون می‌آیند عموماً نشانه امتهها (غیر ایمانداران) می‌باشند.

در آیه هفدهم آنها از **زمین** می‌آیند و این اشاره به جنبه فناپذیر آنها و محدود بودن آنها به زمین و غیر روحانی بودن شخصیت آنهاست.

7:19-22) دانیال در رابطه با **وحش چهارم** که در توحش و درندگی بر سایر وحوش پیشی جسته بود، بررسی مخصوصی به عمل آورد. او همچنین می‌خواست در رابطه با **ده شاخ** و آن شاخی که **سه شاخ** از آن ده شاخ در مقابلش افتادند، تفحص نمایند. او **شاخ کوچک** (شاخ دیگر) را دید که با **مقدسان** دوره عذاب بزرگ تا آمدن **قدیم الایام** جنگ می‌کند و **قدیم الایام** می‌آید و به رنج مقدسین پایان می‌دهد و ملکوت

را به آنها می‌دهد.

23:7-28) مفسر ناشناخته، وحش چهارم، ده شاخ و شاخ کوچک غالب شونده را تفسیر می‌کند. این آخرین (شاخ کوچک)، برضد حضرت اعلي سخنان کفرآمیز خواهد گفت و مقدسان را ذلیل خواهد ساخت و مدت سه و نیم سال در صدد خواهد بود که تقویم یهودی را تبدیل نماید (این مرحله عذاب بزرگ است که عیسی مسیح خداوند در انجیل متی 21:24 بدان اشاره کرده است). اما او قدرت خود را از دست خواهد داد و ملکوت مجلل و جاودانی خداوند مستقر خواهد شد.

### VIII- رویای دانیال از قوچ و بز (فصل هشتم)

4:1-8) دو سال بعد دانیال خوابی از یک قوچ و یک بززر می‌بیند. قوچ نشانه ایران و دو شاخ او پادشاهان ماد و پارس بودند. یک شاخ او از شاخ دیگرش بلندتر بود و این نشانه قدرت بیشتر پادشاه ماد بود. قوچ در حال شاخ زدن و کله زدن و جنگیدن بود و به سمت مغرب و شمال و جنوب شاخ می‌زد و ظاهراً غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسید.

8:5-8 بززر (یونان) با حمله برق آسائی از طرف مغرب وارد می‌شود. این بز دارای شاخی شاخص بود (اسکندر کبیر). این بز قوچ را شکست داد و عازم فتوحات بزرگ‌تر شد. وقتی که اسکندر مرد، قلمرو پادشاهی او به چهار بخش تقسیم شد و این چهار بخش توسط چهار شاخ که به سوی بادهای اربعه آسمانی برآمده به تصویر کشیده شده است.

9:8-14) از یکی از این شاخ‌ها شاخی کوچک برمی‌آید (آنتونیو اپیفانوس) که ارتش او موفق به تسخیر جنوب و مشرق تا فلسطین (فخرزمین‌ها) گردید. آیه دهم بیانگر آزارهایی است که بر یهودیان وارد می‌کند. او خداوند را کفر می‌گوید و مانع تقدیم قربانی‌ها در اورشلیم می‌شود و معبد را بی‌حرمت می‌سازد (آیات 11 و 12)، و این بی‌حرمتی به معبد مدت دوهزار و سیصد روز به طول می‌انجامد. این واقع در حفاصل سال‌های 171 تا 165 قبل از میلاد صورت گرفت.

15:8-17) جبرئیل مامور شد که رویا را برای دانیال تعبیر کند.

18:8-26) دانیال هرچند که مردی خداپرست و شجاع بود، از

حضور فرشته (جبرئیل) بسیار ترسان شد و بر روی خود به زمین افتاد و به **خواب سنگینی** فرو رفت. شاید این مورد تاکید بر قدرت و تقدس خدا باشد که حتی در حضور فرشتگاش تجلی می‌یابد. تعبیر رویا از آیه 19 تا 22 آمده است. اما چنین به نظر می‌رسد که آیه بیست و سوم اشاره به آنتونیو اپیفانس و هم‌تای آینده‌اش باشد. او پادشاهی سخت روی و در مکرها ماهر خواهد برخاست و **قوم مقدسان** را در دوران عذاب بزرگ به طرز ظالمانه‌ای عذاب خواهد داد. او **مکار**، مغرور و فریب‌کار خواهد بود و حتی در مقابل **امیر امیران** (عیسی مسیح خداوند) مقاومت خواهد نمود، ولی با دخالت خدایی نابود خواهد شد. به دانیال گفته شد که این رویا مربوط به آینده‌ای بسیار دور است.

(27:8) دانیال مدت کمی ضعیف و بیمار و متحیر شد.

## IX- رویای دانیال از تفوق هفتاد هفته‌ای غیر یهودیان (فصل نهم)

2و1:9) وقایع این فصل در ایام سلطنت داریوش اتفاق می‌افتند. دانیال با توجه به کتاب ارمیا نبی نتیجه گرفت که **هفتاد سال** اسارت قوم در شرف پایان است.

3:9-19) او به گناهان خود و مردمش اعتراف نموده و از خداوند تقاضا نمود به وعده خود در مورد اورشلیم و مردم یهودا وفا کند. خداوند در پاسخ به دعای دانیال مکاشفه بسیار مهمی از «هفتاد هفته» به او آشکار نمود که آن را «ستون فقرات نبوت کتاب مقدس» نامیده‌اند.

عرض حال دانیال بر اساس ذات خدا (عظمت، هیبت، صداقت، عدالت، بخشش و رحمت خدا) و علایق او (مردم خدا، شهر خدا، کوه مقدس خدا، مقدس خدا) صورت گرفت.

9:20-23) وقتی که دانیال دعا می‌کرد، **جبرئیل به سرعت پرواز نموده و در وقت هدیه شام** به نزد دانیال رسید و به او اعلام نمود که در نظر خداوند **بسیار محبوب** است و این صفتی بود که خداوند خود به دانیال ارزانی داشت. سپس فرشته گزارشی از تاریخ آینده قوم یهود در هفتاد هفته به دانیال داد.

از آنجا که این نبوت برای درک برنامه خدا بسیار مهم

است ما جمله به جمله آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. (24:9) فرشته (جبرئیل) به دانیال می‌گوید **هفتاد هفته** برای قوم تو (اسرائیل) و **شهر مقدس** (اورشلیم) مقرر شده است. تحقق تاریخی اولین بخش این نبوت نشان می‌دهد که منظور از هفته در اینجا هفت هفتاد سال یعنی 490 سال است. در آینده خواهیم دید که هفتاد هفته به هفت هفته به علاوه 62 هفته و یک هفته تقسیم می‌شوند (آیات 25 و 27). در پایان این هفتاد و هفت هفته، شش واقعه به قرار زیر واقع می‌شوند:

**تمام شدن تقصیرها و به انجام رسیدن گناهان** – در حالیکه ممکن است این اشاره به راه‌های گناه‌آلود اسرائیل باشد، ولی اشاره خاصی است به انکار مسیحا توسط قوم در ظهور مجدد مسیح. باقی مانده قوم با ایمان به سویی او باز می‌گردند و **تقصیرها و گناهان** قوم بخشوده خواهد شد. **کفاره به جهت عصیان** داده خواهد شد – اساس این کفاره در جلجتا قرار داشت، ولی در اینجا اشاره به زمان است، زمانی در آینده، آنگاه که باقیمانده ایمان داران اسرائیل از کار فرجامین مسیح بر صلیب بهره‌مند خواهند شد.

**عدالت جاودانی آماده می‌شود** – این نیز اشاره به رجعت دوم و دوران هزاره است، آنگاه که پادشاه با عدالت سلطنت خواهد نمود و سلطنت او یک سلطنت جاودانی خواهد بود. **رویا و نبوت مختوم خواهد شد** – موضوع کل نبوت عهد عتیق متمرکز است بر بازگشت پر جلال عیسی مسیح به زمین و حکومت او بر جهان. بنابراین تمامی نبوت‌ها در پایان هفتاد هفته تحقق خواهند یافت.

**و قدس الاقداس مسح می‌شود** – در آغاز سلطنت هزارساله در کتاب حزقیال فصول 40-44 می‌خوانیم که معبد اورشلیم مسیح متبارک خواهد شد و جلال معبد در شخص خداوند بازخود گشت (حزقیال 43:1-5).

(25:9) فرشته به دانیال می‌گوید، بنابراین **بدان و بفهم** از **صدر فرمان** تعمیر و بنای اورشلیم، تا ظهور مسیح، هفتاد هفته طول می‌کشد – این فرمان توسط اسکندر در 445 ق.م (نحمیا 2:1-8) صادر شد.

عبارت «تا ظهور مسیح رئیس» صرفا اشاره به ظهور اول مسیح نیست، بلکه مخصوصا اشاره به مرگ اوست (ر.ك آیه 26 الف).

**هفت هفته** (چهل و نه سال) و **شصت و دو هفته** (434 سال) — شصت و نه هفته تقسیم شده است به دو دوره، **هشت هفته** و **شصت و دو هفته**. شهر و بازارها و خندق‌هایش تعمیر خواهد شد. اورشلیم با **کوچه‌ها و حصارهایش** (در طول هفت هفته اول) بازسازی خواهد شد و لی نه در حال عادی و معمولی بلکه در حالت تنگی و آشفستگی.

26:9) سپس بعد از **شصت و دو هفته**، یعنی در شصت و دومین بخش زمان و پایان دوره شصت و نه هفته، **مسیح منقطع خواهد شد**. در این جا ما ناظر اشاره‌ای دقیق و قطعی بر مرگ نجات دهنده بر روی صلیب می‌باشیم. سر روبرت آندرسون یک قرن پیش در کتابش تحت عنوان «شاهزاده می‌آید» برآورد مفصلی از شصت و نه هفته به عمل آورده است که استفاده از «سال‌های نبوتی»، سال‌های جهشی و خطاهای گاه شماری و تبدیل قبل از میلاد به بعد از میلاد و غیره... را مجاز می‌سازد و تعیین می‌کند که شصت و نه هفته در پایان ورود ظفرمند عیسی به اورشلیم، پنج روز قبل از مرگش پایان می‌پذیرد.

اما از آن او نخواهد بود — که معنی تحت‌اللفظی‌اش می‌شود «و هیچ چیز ندارد.» شاید منظور از این جمله این است که مسیح چیزی از قوم اسرائیل که به خاطر آنها آمده بود نخواهد گرفت و شاید هم معنی آن این است که او ظاهرا بدون داشتن نسلی خواهد مرد و شاید هم بیانی‌ه‌ای حاکی از نهایت فقر او باشد، چون هیچ چیز از او به جا نماند جز ردایی که در برداشت.

**قوم آن رئیس که می‌نماید** — این رئیسی که می‌آید سر امپراتوری احیا شده روم است، که برخی او را ضد مسیح می‌نامند. او در طول دوره عذاب به قدرت خواهد رسید و قوم او قاعدتا رومیان می‌باشند.

**شهر و قدس را خراب خواهد ساخت** — رومیان تحت رهبری تیطس اورشلیم را ویران و تزیینات طلائی و مرمر سفید با شکوه معبد را در سال 70 میلادی از بین بردند.

**آخر او در سیلاب خواهد بود** — شهر با طوفان نابود شد و

برای نمونه سنگی بر سنگی نماند. تیپس به سربازانش اجازه نداد که معبد هرود را به آتش بکشند، مگر اینکه طلاهای به کار رفته در ساختمان آن را بردارند. بنابراین سربازان برای یافتن طلا در میان ستون‌ها، سنگ‌های عظیم را خرد کردند و بدین ترتیب سخنان مسیح در متی 1:24 و 2 آنچنانکه دانیال پیشگویی کرد، تحقق یافت.

**و تا آخر جنگ خرابی‌ها معین است** - از آن زمان به بعد تاریخ شهر مشحون از جنگ و ویرانی خواهد بود. مراد از عبارت «آخر» در اینجا پایان دوران بی‌ایمانداران (امت‌ها) است.

(27:9) اینک به هفته هفتم می‌رسیم. آنچنان که قبلاً گفتیم یک فاصله زمانی موجود است بین هفته شصت و نهم و هفته هفتم. این فاصله زمانی، عصر کلیسا است که از «پنطیکاست» شروع و در «ربایش» پایان می‌یابد. این فاصله زمانی هرگز در عهد عتیق ذکر نشده است.

از بنیاد عالم رازی نهفته نزد خدا بوده است، اما توسط شاگردان و رسولان عهد جدید، آشکار شده است. به هر حال عیسی مسیح خداوند در کنیسه ناصره به روشنی و زیبایی تمام این فاصله را برای ما به تصویر کشیده است (ر. ک. لوقا 18 و 19)

عیسی مسیح از صحیفه اشعیا 1:61 و 2 نقل قول نمود، اما نقل قولی ناقص، چون اشاره‌ای به بخش دوم آیه دوم، «یوم انتقام خدای ما» ننمود. فاصله بین بخش اول آیه دوم، «سال پسندیده خداوند» و بخش دوم آیه دوم «یوم انتقام خدای ما، عصر کلیسا می‌باشد.

**و او (رئیس رومی) با اشخاص بسیار (اکثریت بی‌ایمانان قوم اسرائیل) در یک هفته (دوران هفت ساله عذاب بزرگ) عهد خواهد بست.** شاید این یک قرارداد دوستی و ترک مخاصمه و یا جلوگیری از قربانی‌های بیشتر و هدایا به جهت یهوه باشد.

**و بر کنگره رجاسات** - از متی 15:24 چنین می‌آموزیم که این سردار یا این رئیس یا امپراتور یک سیستم بت پرستی

در معبد برپا خواهد داشت و احتمالاً فرمان خواهد داد که آن بت پرستش شود.

بعضی بر این عقیده‌اند که **کنگره** در اینجا اشاره به کنگره معبد است.

**خراب کننده‌ای آمد** - او کسانی را که از پرستش بت سر باز می‌زنند آزاد نموده و نابود خواهد ساخت.

**والی‌النهایت آنچه مقدر است بر خراب‌کننده ریخته خواهد شد** - آزارهای وحشتناک یهودیان تا نیمه آخر هفته هفتم ادامه خواهد داشت، دوره‌ای که آن را عذاب بزرگ می‌نامند. سردار یا رئیس رومی - «**خراب کننده‌ای خواهد آمد**»، خودش نیز نابود خواهد شد و آنچنان که خدا مقرر نموده است در دریاچه آتش افکنده خواهد شد (مکاشفه 20:19).

## X- رویای جلال خدا مقدمه‌ای بر وقایع آینده (فصل

دهم)

9\_1:10) وقایع این فصل، در سال سوم سلطنت کورش پادشاه پارس اتفاق می‌افتد. بعضی از اسرا قبلاً به فرمان کورش به اورشلیم برگشتند بودند، ولی دانیال هنوز در تبعید بود.

دانیال پس از سه هفته ماتم گرفتن، احتمالاً به خاطر شنیدن اخبار نومی‌کننده از کسانی که برگشته بودند (کار در معبد متوقف شده بود) و یا احتمالاً شرایط روحانی کسانی که هنوز در تبعید بودند و یا به خاطر اینکه می‌خواست از آینده قوم خود آگاه شود، در کنار **نهر عظیم** دجله ایستاده بود. در آنجا دانیال رویایی از یک مرد باشکوه **ملبس به کتان** دید. این توصیف مشابه آنچه هست که در کتاب مکاشفه 16\_13:1 راجع به عیسی مسیح می‌خوانیم.

14\_10:10) سپس صدایی علت به تأخیر افتادن استجابت دعای دانیال تشریح نمود: رئیس مملکت پارس مدت **بیست و یک روز** با دانیال مقاومت کرده بود. این رئیس (یا پادشاه) که

این چنین استجابت دعای دانیال را به تاخیر انداخته بود چه کسی بود؟ از آنجا که **میکائیل** ملک مقرب و محافظ اسرائیل به کمک فراخوانده شده است، احتمالا او یک قدرت فرشته‌ای شیرانه و کسی قوی‌تر از انسان محض هرچند در قالب «پادشاه» یا «رئیس» بوده است.

لئون وود<sup>1</sup> در تفسیر عالی خود بر کتاب دانیال می‌نویسد:

*نظر به اینکه یونان نیز دارای رئیسی مشابه رئیس پارس خواهد شد (آیه 20) و مردم خدا تحت اقتدار آن امپراتوری، از امپراتور پارس فاصله می‌گیرند، این فرض ظاهراً مستدل به نظر می‌رسد که شیطان غالباً فرستاده‌های ساری را مامور می‌کند تا در حکومت‌ها نفوذ کنند و برعلیه مردم خدا کار کنند. قطعاً این فصل از کتاب دانیال گفته‌های زیادی در رابطه با ماهیت جنگ بین قدرت‌های برتر در اشاره به برنامه خدا بر روی زمین دارد (ر.ک افسسیان 11:6 و 12)*

ولی رئیس پارس چگونه توانست به مدت بیست یک روز مقاومت موفقیت آمیزی در مقابل خداوند داشته باشد و چرا خدای قادر مطلق نیاز به کمک میکائیل داشت (آیه 13)؟ یک فرض این است که «مرد» مذکور در آیه پنجم و ششم خداوند نیست، بلکه یک موجود فرشته‌ای و احتمالاً جبرئیل است.

در هر دو مورد صدا می‌گوید که چرا پاسخ دعای دانیال به تاخیر افتاده است، و آنچنانکه مذکور افتاد رئیس **کشور پارس** مسئول این کار بود. صدا همچنین قول داد که آنچه را بر مردم دانیال – یهودیان – واقع خواهد شد، در روزهای آینده آشکار خواهد کرد. و این وعده در فصل 11 و 12 تحقق می‌یابد.

19-15:10) ابهام موجود در این آیات اینست که این صدا خواه از ناحیه مرد ملبس به کتان و یا فرشته‌ای پیام‌آور باشد، دانیال بر زمین افتاده و لال می‌شود، ولی توسط کسی

<sup>1</sup>- Leon Wood

که ظاهر انسانی دارد، تقویت می‌شود.

20:10 و 21) سپس این شخصی که دانیال او را «آقایم» می‌نامد، به او می‌گوید که نخست باید با **رئیس فارس جنگ** نماید و سپس **رئیس یونان** وارد می‌شود. او حقایق بیشتری بر دانیال از آنچه که در **کتاب حق** نوشته شده، آشکار خواهد ساخت.

میکائیل (**رئیس شما** - منظور دانیال و قومش است) تنها کسی بود که در این نبردها دوش به دوش با دانیال جنگید.

### XI- نبوت های مربوط به آینده نزدیک (35-1:11)

#### الف) تسخیر حکومت ماد توسط یونانیان (3-1:11)

هرچند که آیات 1 تا 35 در آینده نوشته شده‌اند، ولی مربوط به تاریخ گذشته می‌باشند. آیات 36-45 نیز مربوط به آینده می‌باشند.

کلمه «**من**» در آیه اول ممکن است اشاره به میکائیل باشد که در آیات بعد به آن اشاره خواهد شد و یا ممکن است اشاره به **داریوش** پادشاه پارس باشد. آیه دوم از قدرت **چهار پادشاه پارس** و مقابله آنها با **یونان** سخن می‌گوید. این چهار پادشاه عبارت بودند از کمبوجیه (اسمردیس)، **داریوش اول** (گشتاسب) و **اردشیر اول** (اخشورش)، اسکندر کبیر پادشاهی **جبار** بود که قدرت جهانی را از پارس به یونان منتقل نمود.

#### ب) زوال امپراتوری یونان (35-4:11)

#### جنگ بین مصر و آرام (سوریه) (20-4:11)

4:11) وقتی که اسکندر مرد مملکت او به **چهار بخش شکسته شد** - مصر، بابل آرامی، آسیای میانه و یونان. پادشاه مصر پادشاه جنوب بود، درحالیکه پادشاه آرامی پادشاه شمال بود. هیچ یک از جانشینان اسکندر، از ذریعت (نسل)

او نبودند، بلکه همگی فرماندهان ارتش او بودند. (6و5:11) آیات 5\_35 بیانگر جنگی می‌باشند که تا دو قرن در دوره این آخرین حکومت‌ها ادامه داشتند. حکومت اول، **پادشاه جنوب** پتولمی اول بود و کسی که قرار است این پادشاه بر او غلبه نماید، سلوکوس اول پادشاه آرام خواهد بود. این دو پادشاه نخست با هم متحد بودند، سپس با هم به رقابت پرداختند و بعداً برنیس **دختر** پتولومی دوم با آنتونیوی دوم پادشاه آرام ازدواج کرد، تا در بین دو ملت روابط حسنه ایجاد نماید، اما این استراتژی با توجه به توطئه‌ها و قتل‌ها، ناکام ماند.

### امپراتوری اسکندر کبیر

(9\_7:11) پتولومی سوم برادر برنی حمله موفقیت آمیزی به قلمرو سلوکوس کالینیس انجام داد و با اسرا و غنائم فراوان به مصر بازگشت.

دو سال بعد سلوکوس حمله ناکامی به مصر نمود. (17\_10:11) پسران او مخصوصاً آنتونیوی دوم موفقیت بیشتری از او به دست آوردند. آیات 10\_20 به بیان چگونگی جریان جنگ مداوم بین **شمال** و **جنوب** می‌پردازد. آیه هفدهم به بیان چگونگی قرارداد ترک مخاصمه با مصر می‌پردازد. پادشاه سوریه برای دست اندازی به مصر یکی از دختران خود به نام کلئوپاترا (و این همان کلئوپاترای معروف ملکه مصر نیست) را به عقد پتولومی پنجم در می‌آورد، اما نقشه او موثر واقع نمی‌شود.

(20\_18:11) وقتی که آنتونیوی سوم قصد تسخیر یونان را نمود، توسط رومیان در ترموپلا و مگنزیاس شکست خورد و به کشور خود بازگشت و طی یک شورش کشته شد. جانشین او فیلوپاتر سلوکوس کسی بود که به خاطر بستن مالیات‌های سنگین بر قوم اسرائیل نام بدی از خود بجا نهاد و بدان

وسیله **جلال سلطنت** را از آن قوم گرفت. او به طرز مرموزی مرد و احتمالاً مسموم شد.

## 2- حکومت آنتونیو اپیفانس (11:21-35)

(11:21 و 22) آیه 21 حاکی از به قدرت رسیدن آنتونیو اپیفانس یا همان «شاخ کوچک» کتاب دانیال فصل هشتم می‌باشد. این شخص **حقییر با حیدله** و نیرنگ تاج و تختی را که به حق متعلق به پسرعموی خودش بود غصب نمود. او با قدرت ارتش خود ملتها در هم کوبید و کاهن اعظم یهودی اونیاس، «**رئیس عهد**» را کشت.

(11:23 و 24) آنتونیو اپیفانس با قوم های مختلف مخصوصاً مصر معاهده امضاء نمود ولی در تمام این موارد منافع خود را مدنظر داشت. او **بلاد** مسخر شده را غارت کرد و از ثروت خود برای گسترش قدرتش استفاده نمود.

(11:25 و 26) جنگ او با مصر دارای اهمیت خاصی است: **پادشاه جنوب** نتوانست در مقابل او مقاومت کند، و یکی از علل شکست او خیانت نمودن کسانی به او بود که **خوراک او را می‌خوردند**.

(11:28 و 28) متعاقب آن، دو پادشاه (پادشاهان آرام و مصر) به ظاهر با هم صلح کردند، اما در باطن برای هم توطئه نمودند. وقتی که آنتونیو اپیفانس به **زمین خود مراجعت نمود** نوك حملات وحشیانه خود را متوجه اسرائیل نمود و کشتار و ویرانی فراوانی را در اسرائیل موجب شد.

(11:29-31) بار بعد آنتونیو اپیفانس به مصر حمله برد ولی توسط رومیان (**کشتی‌های کتیم** - قبرس) در نزدیکی اسکندریه عقب رانده شد و دربرگشت به فلسطین خشم خود را بر روی اسرائیل خالی کرد. بعضی از یهودیان مرتد در این هجوم با او همدستی نمودند. او **قربانی سوختنی**

**دائمی** را متوقف کرد و دستور داد بتی در **مقدس** (پرستشگاه) برپا شود. بر اساس تاریخ دینی او با قربانی نمودن خوک بر مذبح، آن را نجس ساخت. **عهد مقدس** (آیات 28 و 30 و 32) اشاره به ایمان یهودی است، با تاکید خاص بر روی سیستم قربانی.

35\_32:11) این بی‌حرمتی‌ها شورش مکابیان را تحت رهبری جوداس مکابیوس و خانواده‌اش، موجب شد. یهودیان مرتد جانب آنتونیو را گرفتند، ولی ایمان‌داران یهودی بر آنها پیروز شده و **کارهای عظیم** انجام دادند. و این از یک سو دوره‌ای وحشتناک از خون‌ریزی بود و از سوی دیگر دوره‌ای درخشان از بیداری روحانی.

## II- نبوت‌های آینده دور (36:11 تا 13:12)

### الف) ضد مسیح (45\_36:11)

(45\_36:11) آنچنانکه گفته شد آیات 36 تا 45 مربوط به آینده می‌باشند. آیه 36 به معرفی پادشاه خودسر می‌پردازد و توصیفی که از او می‌شود، بسیار نزدیک به ضد مسیح است. او تا **انتهای غضب** خدا بر علیه اسرائیل، **کامیاب** خواهد بود. بسیاری بر این باورند که او یک یهودی خواهد بود و کردار او آن چنان است که به **خدای پدران** خود و **فضیلت زنان** (یعنی مسیحی موعود) **اعتنایی** نخواهد داشت. یهودیان به سختی فریفته این مسیحی غیریهودی می‌شوند و او سلطه خود را از طریق فشار نظامی به همه جامی گستراند.

45\_40:11) در آیات 40\_45 مشکلی وجود دارد مبنی بر اینکه مراد از «وی» و «او» کیست؟ یک تفسیر می‌گوید: پادشاه جنوب با پادشاه خودسر در نبرد برخورد کرده سپس **پادشاه شمال** از طریق فلسطین، مانند برق و باد بر مصر می‌تازد، اما اخباری بدی که از **مشرق** و **شمال** می‌شنود

موجب می‌شود که به فلسطین جایی که بین دو دریا و اورشلیم (مدیترانه و دریای مرده) اردو زده است، باز گردد. او نابود خواهد شد، بدون اینکه کسی به کمکش بشتابد.

### (ب) عذاب بزرگ (فصل 12)

3\_12:1) آیه اول مبین عذاب بزرگ است که در 3/5 سال قبل از رجعت بر مسیح صورت می‌گیرد. عده‌ای برانگیخته خواهند شد تا با مسیح وارد دوران هزار ساله شوند، و افراد شریر فوت شده، در پایان هزار سال برخوانند خاست (آیه دوم و همچنین مکاشفه 5:20). در این دوره کسانی که از حکمت خود بهره برده و خداوند را با هدایت دیگران به سوی ایمان و **عدالت**. اطاعت کرده‌اند در جلال جاودانه متلاو خواهند شد. بعضی از مفسران آیه سوم را اشاره به رستاخیز جسمانی نمی‌دانند، بلکه آن را رستاخیز ملی و تجدید معنوی اسرائیل می‌پندارند. بعد از اینکه قوم باستانی خدا در بی‌ایمانی دوباره در زمین جمع شوند، باقی مانده قوم به انجیل پاسخ مثبت داده و وارد دوران هزاره، خواهند شد. این‌ها کسانی هستند که به **جهت حیات جاودانی**، بیدار می‌شوند.

اسرائیل که قرن‌ها در میان غیر یهودیان دفن شده بود از نظر ملی احیا خواهد شد و سپس باقی مانده ایماندار تجدید حیات روحانی مندرج در اشعیا 19:26 و حزقیال فصل 37 را تجربه خواهند نمود.

4:12) به دانیال سفارش می‌شود که نبوت‌های کتاب را

**محافظت** نماید. آیه

چهارم ب، معمولا به عنوان توصیفی از ترقی و پیشرفت در صنعت حمل و نقل و پیشرفت علمی، مدنظر می‌باشد. ولی احتمالا شاید این مفهوم را نرساند.

تفسیر داربی از این آیه اینست که، «بسیاری ساعیانه تحقیق خواهند کرد.» تفسیر تری گلس چنین است: «بسیاری کتاب را از ابتدا تا انتها بررسی خواهند نمود.» و می‌گوید که بسیاری کلام نبوت را خواهند اموخت. و دانش آن در دوران عذاب بزرگ افزوده خواهد شد.

10\_5:12 این آیات شامل گفتگویی بین دو نفر ناشناس با مردی است که **ملبس به کتان** می‌باشد، مبنی بر اینکه پایان آن زمان (عذاب بزرگ)، چه وقت خواهد بود. زمان اعلام شده، سه سال و نیم می‌باشد (**زمانی و دو زمان و نصف**). وقتی که دانیال می‌گوید چیزی نفهمیده است، به او گفته می‌شود که رویا کاملاً آشکار نخواهد شد، تا واقع شود. ولی او می‌تواند مطمئن باشد که عادلان **طاهر** خواهند شد و **شریران** چیزی از آن نخواهند دانست، اما حکیمان خواهند فهمید. از ابتدای دوره عذاب بزرگ تا پایان آن **دو زمان و نصف زمان** خواهد بود (سه سال و نیم یا 1260 روز).

11:12 شاید **رجاسات ویرانی**، سی روز قبل از عذاب بزرگ در معبد اورشلیم برقرار خواهد شد، که در اینجا گفته شده **هزار و دویست و نود روز خواهد بود**.

12:12 آنچنانکه در مورد **هزار و سیصد و سی و پنج روز** گفته شده، اشاره به فاصله بین آمدن مسیح و مجازات دشمنانش و آغاز سلطنت اوست.

13:12 دانیال خواهد آسود (خواهد مرد) و آنگاه در زمان رستاخیز خواهد برخاست و از برکات سلطنت هزار ساله مسیح با مسیح **نصیب خواهد برد**.